

اگر چنین شود دست کم در دو تا سه سال آینده امکان خروج از رکود نیست و اگر رکود با همین شدت ادامه بیابد کم کم با زنجیره ای از تعطیلی ها و ورشکستگی ها روبه رو می شویم و صدها هزار بی کار جدید به هشت میلیون بی کار کنونی افزوده خواهد شد

هشدار «رنانی» درباره برگزاری انتخاباتی غیر فراگیر



اسپادانا خبر/ در شرایطی که نگرانی ها از پیامدهای رد صلاحیت ها همچنان ادامه دارد و اظهارنظرهای متفاوتی در این رابطه به گوش می رسد، محسن رنانی، اقتصاددان و عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان با انتشار نامه ای سرگشاده با عنوان «آینده ایران در دستانی لرزان» نسبت به تبعات اقتصادی این اقدام هشدار داد.

رنانی در این نامه تأثیر حذف بخش بزرگی از اصلاح طلبان را از سوی هیأت های ناظر منتج به عدم مشارکت مردم و تعمیق رکود در آینده اقتصادی کشور عنوان می کند و معتقد است چنین اقدامی از سوی جناح مقابل با هدف تضعیف دولت رخ می دهد. نامه این اقتصاددان به صورت کامل دیروز در سایت او www.renani.ir [1] منتشر شده است.

تعمیق رکود با انتخاباتی غیر فراگیر
از مردادماه با توجه به شرایطی که در کشور شکل می گرفت و گفت و گوهایی که درباره انتخابات بین جناح ها و فعالان سیاسی بود این نگرانی در من ایجاد شد که انتخابات، بسیار خطیر و تأثیرگذار بر آینده اقتصاد ایران باشد. نگران بودم که این انتخابات به یک بی ثباتی جدید در فضای سیاسی ایران بینجامد که اگر چنین شود این بی ثباتی به فضای اقتصادی کشور نیز منتقل خواهد شد و فضای کسب و کار کشور را در ابهام می برد و اگر چنین شود اقتصاد ایران که اکنون در تردید است که خود را از رکود دریاورد یا نه دوباره به سطح عمیق تری از رکود خواهد رفت. اگر چنین شود دست کم در دو تا سه سال آینده امکان خروج از رکود نیست و اگر رکود با همین شدت ادامه بیابد کم کم با زنجیره ای از تعطیلی ها و ورشکستگی ها روبه رو می شویم و صدها هزار بی کار جدید به هشت میلیون بی کار کنونی افزوده خواهد شد و ممکن است به مسائل جدید اقتصادی و اجتماعی برخورد کنیم. بر این اساس گفت و گوهایی را در قالب ۳۰ نشست با تعدادی از فعالان هر دو جناح و البته فعالان مستقل دانشگاهی آغاز کردم. گمان می کردم این گفت و گوها بتواند به گفت و گویی فرا جناحی و ملی منتج شود برای اینکه از شرایط شکننده قبل خارج شویم و این انتخابات نقطه عطفی برای این همگرایی شود اما متأسفانه دیدم این ظرفیت هنوز در دو طرف وجود ندارد و هنوز مسائلی در میان هست که اجازه نمی دهد نخبگان سیاسی کشور درباره اوضاع حاد و خطیر ایران بنشینند و با یکدیگر گفت و گو کنند. وقتی با رویکرد و برخورد هیأت های نظارت بر انتخابات روبه رو شدم که نزدیک به ۶۰ درصد کاندیداها رد صلاحیت شدند، احساس کردم اولین گام از پیش بینی من محقق می شود و اگر انتخابات با حذف بخش زیادی از جامعه شکل بگیرد، این انتخابات می تواند آغازی برای پیدایش مشکلات اقتصادی در کشور یا حتی به تعویق انداختن خروج و تعمیق رکود باشد؛ بنابراین وظیفه خود دانستم که به شورای نگهبان به عنوان نگهبانان قانون اساسی و حافظان منافع ملی نکاتی را ارائه و زنهاری را بدهم و دغدغه هایی را منتقل کنم به این امید که این شورای نگهبان در بازنگری نهایی بخش بزرگی از حذف شدگان را که نمایندگان از بخش های جامعه هستند به بازی برگرداند تا یک انتخابات فراگیر و همراه با همبستگی ملی را شاهد باشیم.

انتخابات دوقطبی، چه دو جناح حضور یابند و تنش ایجاد کنند و جامعه را به سمت دوقطبی شدن ببرند چه یک جناح با ابزارهای مختلف یک جناح را حذف کند، انتخابات دوقطبی است. حذف، نمودی از دوقطبی بودن است. بنابراین حذف کردن اعلام پیشاپیش آن است که بازی دوقطبی است. امیدوارم شورای نگهبان در یک بازنگری جدی در نظرات هیأت های نظارت، این پیام را پس بگیرد تا این پیام به جامعه مخابره نشود که انتخابات دوقطبی است. در شرایط کنونی که ۶۰ درصد کاندیداها حذف شده اند، دو

حالت رخ می دهد؛ یا جامعه هجوم می برد به يك رأی اعتراضی که به يك رفراندوم تبدیل می شود و خوب نیست نظام سیاسی يك انتخاباتی که قرار است تعدادی نماینده در آن انتخاب شوند را به يك رفراندوم بدل کند. حالت دیگر آن است که مردم دچار یأس و سرخوردگی می شوند و اصولا در انتخابات شرکت نمی کنند. در این صورت ممکن است يك جناح با طیب خاطر وارد مجلس شود، خواه با رأی پایین، خواه با رأی بالا، اما نکته آن است که رأی دهندگانی که سرخورده شده اند، در آینده از مشارکت در فرایندهایی که کشور برای بازسازی و عبور از بحران ها به آن نیازمند است، خود را کنار بکشند و کشور را از آن خود ندانند. در این صورت ما با عدم مشارکت ملی روبه رو خواهیم شد که نمونه های آن را در گذشته دیده ایم. بنابراین این یأس بسیار خطرناک است. به همین خاطر به شورای نگهبان و تمام مقامات مؤثر نظام توصیه می کنم يك انتخابات فراگیر که نماینده همه بخش های جامعه باشد، راه اندازی کنند و هم به جناح های سیاسی می گویم یگانه راه برای اینکه دموکراسی نوپای کنونی را به ثمر بنشانیم آن است که مشارکت جدی مردم را داشته باشیم و نگذاریم مجلس آینده مجلسی متشکل از تدریوان و افراتیون شود.

دولت کناره گیری کند

اگر به برجام رسیدیم، بخشی از آن ناشی از فشار اقتصادی بود. قدرت اقتصاد امروز بیش از حوزه سیاست است و امروز سیاست، قدرت خود را از اقتصاد می گیرد و کشورهایی در جهان اقتدار سیاسی دارند که در حوزه اقتصاد صاحب اقتدار باشند. بنابراین بدون شك اقتصاد خود را تحمیل خواهد کرد. اقتصاد خود را در نظام هایی تحمیل نمی کند که نظام هایی کاملاً بسته و نظامی باشند که اصولاً چیزی به نام نهاد مدنی در جامعه وجود نداشته باشد. جامعه در يك فشار اقتصادی رو به اضمحلال خواهد رفت و کاری نمی تواند بکند مگر اینکه سر به شورش برآورد، مانند کره شمالی امروز. در هر کشوری که به طور کامل بسته نباشد و نهاد مدنی وجود داشته باشد، اقتصاد تعیین کننده نهایی است. مسئله امروز همین است. درحالی که نظام سیاسی ما با جهان گفت و گو و تعامل می کند و باید متوجه شود که در داخل هم باید به تعامل برخیزد. در داخل اگر به يك گفت و گو فراگیر ملی دست نزنیم و يك تفاهم ملی درباره مسائل جدی برقرار نکنیم، با آغاز مشکلات اقتصادی، جامعه در آن مشارکت نخواهد کرد. مگر نبود زمانی که درخواست دولت یازدهم برای انصراف از دریافت یارانه ها مطرح شد، جامعه به آن وقعی نگذاشت. این نشانه ای از آن است که وقتی مسئله درگیرد، الزاماً جامعه مشارکت نمی کند. اقتدار در آن است که بتوانیم يك ثبات اقتصادی بلندمدت ایجاد و سرمایه جذب کنیم و این سرمایه ها را به سمت تولید بکشانیم تا بعد در حوزه سیاست نیز اقتدار بیشتری پیدا کنیم. دولت باید با مجموعه حاکمیت گفت و گو کند. دولت باید گفت و گو کند که آیا این روش و منشی که در میان برخی از گروه ها پس از برجام شکل گرفته، در راستای تضعیف دولت و به قصد زمین زدن دولت است. دولت نمی تواند رکود را مدیریت کند

دولت توانسته تورم را کنترل کند و در این شکی نیست، اما ممکن است در دوره ای سه ماهه شواهدی از بهبود را دیده باشیم، اما در پایان سال می توانیم بگویم رکود پایان امسال تفاوتی با سال گذشته نداشته است. بنابراین معتقدم دولت هنوز نتوانسته رکود را مدیریت کند و معتقدم مدیریت رکود دست دولت نیست. جنس رکود در اقتصاد ایران جنسی نیست که مدیریت آن دست دولت باشد، بلکه کل نظام سیاسی باید همت کند و آن را مدیریت کند، زیرا امروز با سه سطح رکود روبه رو هستیم. دولت تنها توانسته يك سطح از رکود را با ابزارهای محدود مدیریت کند. اگر بخواهیم هر سه سطح رکود را مدیریت کنیم، لازم است کل نظام سیاسی پشت دولت بایستد. در این نامه اشاره کرده ام که سه سطح رکود چگونه اقتصاد ایران را زمین گیر کرده و اگر انتخابات فراگیر شکل نگیرد و افق اقتصادی ایجاد نکند، دست کم دو سطح رکود رفع نخواهد شد. اکنون ایران اگر مراقبت نکند، مستعد است در شرایط فقدان و کاهش شدید درآمدهای نفتی به بحران دچار شود.

فساد در طبقه هشتم

اکنون در کشور فساد به طور گسترده ای در نظام اداری گسترش یافته و به مرز سیستمی و به طبقه هشتم فساد که بالاترین سطح فساد است، رسیده.

دغدغه امروز من دموکراسی نیست؛ اگر می گویم انتخابات فراگیر مسئله ام دموکراسی نیست. آنچه نگران آن هستم برای آینده اقتصاد ایران است که اگر نتوانیم این اقتصاد فروخته را بیدار کنیم، غرامت های اجتماعی و سیاسی به دنبال خواهد داشت که همه را با خود خواهد بلعید.

بازی سیاسی برای کسب منافع اقتصادی

اصولاً بازی سیاسی برای کسب منافع اقتصادی است. بازیگران سیاسی می آیند قدرت را کسب کنند تا منافع اقتصادی خود را حفظ کرده یا منافع اقتصادی بیشتری کسب کنند. این روال در تمام دنیا وجود دارد؛ اما کشورهای پیشرفته توانسته اند این بازی را عقلانی و آن را پیش بینی پذیر کنند. اگر این گروه ها همکاری نکنند تا کشور به سمت يك انتخابات مشارکتی سیاسی پیش رود، این مسائل به همه آسیب می رسند. اگر ورشکستگی بانک ها و بازار سرمایه شروع شد، همه ضرر می کنند. توصیه می کنم همکاری کنید حتی برای حفظ نفع خود. این نگرانی به صورت جدی میان جناح اصولگرا وجود دارد. تنها نکته ای که بود آنها هراس دارند که این نگرانی را به زبان بیاورند و ضرورت آشتی ملی را اعلام کنند زیرا آنها نگرانند از سوی همگان خود نیز متهم به کوتاه آمدن و مماشات شوند.

منبع/ روزنامه شرق